

شیخ کنفرانس برلین در تهران

و شمار دیگری از آزادیخواهان و انقلابیون و بازماندگان قربانیان اعدامهای جمهوری اسلامی در کنفرانس حضور یافتند و اجازه ندادند جانبان دیروز لباس اصلاح طلبی به تن کنند و برای حضار غربیشان "دموکراسی اسلامی" بهم بیافند. فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی و آزادی برابری سالن کنفرانس را بلرزه درآورد و آقایان دست از پا درازتر به تهران برگشتند. از آنروز هرگاه زمین زیر پای رژیم داغ شده و جناحها بجان هم افتاده اند نام کنفرانس برلین نیز بمیان کشیده شده است. هر وقت یک جناح دیگری را به نادیده گرفتن مصالح نظام متهم میکنند، هر وقت مردم به تعرض جنیدنی دست میزنند، هر گاه شعارها بر علیه جمهوری اسلامی تند میشود، هرگاه مبارزه در چارچوب قانونی نیمه‌ماند و هر دو جناح را آماج حمله قرار میدهد، کابوس کنفرانس برلین در ذهن آنها زنده میشود و شیخ "کسانی که کنفرانس برلین را بوجود آوردند" در مقابلشان قد علم میکنند.

این بار هم مبارزات دانشجویان حضرات را بیاد کنفرانس برلین انداخت، و این کاملاً قابل انتظار است. کسانی که میخواهند کنفرانس برلین را بوجود آورند و این مراسم را بهم برزند در جای خود بنشینند.

حمید تقوائی

این گفته یکی از سخنگویان دوخردادی در تظاهرات ۱۶ آذر خطاب به دانشجویان است. این کاملاً قابل فهم است که دوخردادی ها به سیاق همیشه بخواهند سر

و تهر اعتراض و تظاهراتی را آرام و بی سر و صدا و "قانونی" هم بیاورند، اما در این میان چه چیزی آنها را بیاد کنفرانس برلین انداخته است؟ تظاهرات دانشجویان چه ربطی به کنفرانس برلین در ۳ سال قبل دارد؟

کنفرانس برلین قرار بود تریبونی برای فروختن جمهوری اسلامی "اصلاح شده"، جمهوری اسلامی "نوع خاتمی" به دولتها و افکار عمومی غربی باشد. مقامات دو خردادی کفش و کلاه کرده بودند و به آلمان آمده بودند تا شکنجه و کشتار و توحش نظامشان را با چاشنی لبخند خاتمی و "اصلاحات" وی برای غرب قابل هضم کنند. این اتفاق نیفتاد. فعالین حزب ما

عبور از "خط قرمز"

فاتح بهرامی

جنبش مردم برای آزادی و سرنوینی جمهوری اسلامی مدام در حال پیشروی است. با وجودیکه از حضور علنی این جنبش نزدیک به شش سال میگذرد، و این مدت عمری بود که جناح دو خرداد توانست برای جمهوری اسلامی بخرد، اما امروز نشانه های جدی و قطعی برای نزدیک شدن این جنبش به هدفش، یعنی سرنوینی جمهوری اسلامی، روشنتر از هر زمان قابل مشاهده است.

یک فاکتور مهم و تا حلی قدیمی تر در مورد این نشانه ها رسمیت پیدا کردن شکست پروژه اصلاح جمهوری اسلامی است که نه تنها از ملتها قبل توسط مردم مهر و اعلام شده، بلکه همچنین توسط خود جناح دو خرداد و سران اصلی آن اذعان میشود. اما شکست قطعی پروژه دو خرداد نتایجی دارد که از میان آنها به دو عامل مهم باید توجه کرد. فاکتور اول بی خاصیت شدن سپر دفاعی رژیم در مقابل اعتراضات مردم و حرکتهای جنبش سرنوینی طلبانه مردم است. به بیان دیگر، قدرت رژیم برای کنترل اعتراضات اقشار مختلف جامعه از طریق جناح دو خرداد و نهادهای وابسته به آن از بین رفته است. و این باعث میشود که اعتراض مردم چپ تر، میلیتانت تر و صریحتر علیه کل رژیم بیان بشود و به پیش برود. دومین نتیجه شکست دو خرداد عبارتست از اتکا و رو آوری مستقیم و صریح حکومت به ابزار همیشگی سرکوب، هم توسط نیروی رسمی سرکوبگر و هم با به میدان آوردن نیروی اوباشی که برای همین هدف به مزدوری در آمده اند.

نشانه مهم دیگری که حاکی از پیشروی جدی مردم به سمت هدف سرنوینی رژیم اسلامی است، شعارهای مردم در اعتراضات آنهاست. هدف گرفتن خامنه ای بعنوان رهبر و سمبل جمهوری اسلامی در شعارهای مردم به معنی عبور آنها از "خط قرمز" است. عبور از این خط قرمز در روز روشن با فریاد "رهبر برو گمشو" و "مرگ بر خامنه ای"، چشم در چشم نیروی انتظامی و حزب الله و لباس شخصی ها، بمعنی اینست که جنبش سرنوینی وارد فاز جدیدی شده است.

اعتراضات دور اخیر دانشجویان و آنچه که در ۱۶ آذر اتفاق افتاد، ویژگیهای این فاز مبارزه مردم را بخوبی نمایان میکند. شعار "رهبر برو گمشو" حدود یکماه پیش دانشجویان به شعار "مرگ بر خامنه ای" ارتقا یافت که به شعار اصلی تظاهرات بزرگ مردم تهران در غروب ۱۶ آذر تبدیل شد. و این یک شاخص اساسی برای اعلام علنی رابطه مردم با جمهوری اسلامی است که در خیابانها فریاد زده میشود. اما این فاز جدید از مبارزه مردم به شعار علیه خامنه ای



اساس سوسیالیسم انسان است.

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

منصور حکمت

انترناسیونال

هفتگی

بنیانگذار: منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-870 120 7768

۱۳۶

۲۲ آذر ۱۳۸۱

۱۳ دسامبر ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465
Fax: 0044-870-135-1338
markazi@ukonline.co.uk

معلمان اعلام کردند که حقوق کمتر از ۲۵۰,۰۰۰ تومان را نخواهند پذیرفت

حافظ برگزار کنند.

رئوس خواستهای معلمان بشرح زیر است:

- ۱- افزایش دریافتی معلمان. حقوق معلم نباید زیر خط فقر و کمتر از ۲۵۰ هزار تومان باشد
- ۲- تامین تسهیلات لازم برای بهبود وضعیت مسکن معلمان. تامین مسکن برای همه معلمان از طریق در اختیار گذاشتن خانه های مناسب و ارزان قیمت استیجاری با حق تملک پس از برابر شدن اجاره های پرداختی با قیمت اولیه خانه ها
- ۳- بیمه درمانی مناسب
- ۴- رسیدگی به حقوق بازنشستگان و ترمیم حق بازنشستگی
- ۵- ایجاد شرایط و تسهیلات لازم برای اشتغال فرزندان معلمان

اعتراض معلمان برای عملی ساختن خواستهایشان ادامه دارد. معلمان برای پیگیری خواستها و مطالباتشان روز ۲۲ آذر را بعنوان روز تجمع اعتراضی در تهران تعیین کرده اند. در اطلاعیه معلمان که هفته گذشته در تهران و شهرستانها پخش شد، مهلتی یک هفته ای برای پاسخ به خواستهایشان تعیین گردیده و اعلام شده است که در صورت عدم پاسخ به خواستهایشان در روز جمعه ۲۲ آذر (۱۳ دسامبر) دست به تجمع اعتراضی خواهند زد. بدنبال این فراخوان دبیر خانه معلمان از هفته قبل دستگیر شده ست. معلمان تصمیم دارند علیرغم مخالفت وزارت کشور تجمع اعتراضی خود را در تاریخ تعیین شده یعنی ساعت ۱۰ صبح جمعه زیر پل

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



اعتراضات کارگری در دو هفته اخیر

شهلا دانشفر

زده اند. کارگران اعلام داشته اند که در صورت تحقق نیافتن خواسته‌هایشان در روزهای آینده به همراه خانواده‌هایشان تجمع اعتراضی خود را به داخل شهر قوچان خواهند کشاند.

بیش از ۴۰۰ نفر از کارگران قند میانوآب در روز ۱۲ آذرماه در اعتراض به چگونگی نحوه اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در این کارخانه و در اعتراض به سطح نازل دستمزدشان دست به اعتصاب زدند. در این حرکت اعتراضی، نیروی انتظامی رژیم موسوم به لشکر محمد رسول الله از ساعت یک پامداد تا ساعت ۸ صبح روز ۱۳ آذر ماه با کارگران درگیر شدند و آنان را مورد ضرب و شتم قرار دادند و یکی از کارگران به نام فریبرز مرادی دستگیر و بازداشت گردید. اعتراض به سطح نازل دستمزدها از سوی کارگران قند میانوآب سر آغازی است بر مبارزات کارگران در این موقع از سال برای خواست افزایش دستمزدها.

در روز ۱۱ آذر کارگران کارخانجات الیاف خراسان و اسفنج شیروان در اعتراض به دستمزدهای معوقه سه ماهه خود جاده اصلی ورودی مشهد به شیروان را بستند و خواهان حضور مسئولین در جمع خود و پاسخگویی آنان شدند. تحت فشار اعتراض کارگران فرماندار، رئیس دادگستری و فرمانده انتظامی شیروان در جمع آنان حضور یافتند. سرانجام کارگران با گرفتن قول مساعد برای پرداخت حقوق معوقه کارگران در چند روز آینده موقتاً به سر کار خود بازگشتند.

روز ۹ آذر کارگران کفش غزال درود در اعتراض به تعطیل کارخانه و اخراج خود مقابل صندوق حمایت از فرصت‌های شغلی در تهران تجمع کردند. قبلاً نیز کارگران کفش غزال در اعتراض به اخراج خود چند بار به تهران آمده و دست به تجمع اعتراضی زده بودند. طبق

در ماه‌های اخیر اعتراضات کارگران برای گرفتن دستمزدهای پرداخت نشده و علیه بیکاری و نیز برای بهبود شرایط کار و خواسته‌های دیگر گسترش بیشتری یافته است. در اینجا به اعتراضات و مبارزات کارگری که طی دو هفته اخیر بوقوع پیوسته مروری می‌کنیم.

در حرکت اعتراضی حدود ۷۰۰ کارگر از شرکت‌های مختلف وابسته به بنیاد مستضعفان در روز ۱۶ آذر: کارگران با مناسب دیدن فرصت برای بروز اعتراضشان در این روز و علیرغم اینکه وزارت کشور قبلاً با تجمع اعتراضی کارگران در مقابل تأمین اجتماعی مخالفت کرده بود، در مقابل ساختمان اداره کار در تهران دست به تجمع اعتراضی زدند. جمع شدن ۷۰۰ کارگر از کارخانه های مختلف نمونه قابل توجهی از پختگی و توان بالای سازماندهی این حرکت اعتراضی از سوی رهبران اعتراضات جاری کارگران را به نمایش گذاشت. در این حرکت اعتراضی مردم در محل به حمایت از کارگران پرداخته و به تجمع اعتراضی آنان پیوستند. از همان آغاز نیروهای انتظامی در محل مستقر شدند و با مشاهده حمایت مردم از کارگران به صف آنان حمله ور شدند. اما در مقابل حمله نیروهای انتظامی کارگران به دفاع از خود برخاسته و با آنان درگیر شدند. کارگران به شکستن شیشه های محل پرداخته و خواهان پاسخگویی مسئولین امر به خواسته‌ها و مطالباتشان گردیدند.

از اوائل آذر ماه بیش از ۲۰۰ نفر از کارگران مجتمع دوچرخه سازی قوچان در اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر اخراج آنها، کار خود را تعطیل کرده و در محل کارخانه دست به تحصن

گزارشات با تعطیل شدن این کارخانه ۲۵۰ کارگر کار خود را از دست داده و اخراج شده اند. کارگران کفش غزال اعلام داشته اند که تا رسیدن به خواسته‌هایشان به اعتراض خود ادامه خواهند داد.

روز ۷ آذر حدود ۱۵۰ نفر از کارگران شرکت کامجویان وابسته به معدن سنگرود لوشان در مقابل شرکت اصلی (البرز غربی) علیه اخراج خود دست به تجمعی اعتراضی زدند. کارگران این شرکت قبلاً نیز در این رابطه دست به حرکتی اعتراضی زده و از سوی خاتمی به آنها وعده رسیدگی به کارشان داده شده بود. همچنین در همین روز کارگران و کارکنان شهرداری ارونند کنار آبادان با جمع آوری طوماری اعتراضی به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست به اعتراض زدند. ۴۰۰ تن از کارگران چینی سازی گیلان نیز در این روز در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان و نیز علیه اخراج دست به تجمعی اعتراضی زدند.

در هفته اول آذر ماه بیش از ۱۵۰ کارگر کارخانه نساجی طبرستان قائم شهر به خاطر بلاتکلیفی و اعتراض به عدم دریافت حقوق ۵ ماه خود در محل تشکیلات خانه کارگر مازندران به تجمعی اعتراضی دست زدند.

روز سوم آذر جمعی از کارگران کارخانه لوله سازی خوزستان برای چندمین بار متوالی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان تجمعی اعتراضی برپا کرده و بر روی مطالبات خود پافشاری نمودند. حدود ۸۰۰ نفر از کارگران لوله سازی خوزستان مدت هشت ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند و در بلاتکلیفی بسر می‌برند.

این گوشه‌ای از حرکات و اعتراضات کارگری در روزهای اخیر است. مسلم است که امروز شرایط بیش از هر وقت به نفع اعتراضات کارگری و جلب حمایت وسیع توده‌ای تغییر کرده است. طبقه کارگر نیز در متن این شرایط می‌تواند بیش از پیش سازمان یابد و قدرتت را نشان دهد. شرایط امروز طوری است که

می‌دهند که یا را از چارچوب قانون فراتر ننگارند، بین طرح خواسته های قانونی و چالش‌هایی که صورت غیرقانونی می‌گیرد تفکیک قائل شوند" و از افرادی که "با ظاهر دانشجویی قصد رادیکال کردن فضا را دارند" فاصله بگیرند. بخودشان قوت قلب می‌دهند که دانشجویان هویت دینی دارند و به حرف "افراطیون و تندروها" گوش نمی‌دهند. اما حتی خودشان هم خوب میدانند که دیر شده است، حالا دیگر نوبت افراطیون و تندروها و فضای رادیکال نه تنها در دانشگاهها بلکه در سراسر ایران است. ما همان سه سال قبل گفتیم که از برلین تا تهران راهی نیست.

قرون وسطایی جمهوری اسلامی هستند، گفتیم حکومت مذهبی با آزادی متناقض است و باید برود، گفتیم سرنگونی این نظام پیش شرط هر نوع ارتقا و بهبود در وضعیت زندگی مردم ایران است، و امروز این حقایق بر همه معلوم شده است. شیخ کنفرانس برلین از این حقایق سر بلند میکند. در دل مبارزات دانشجویی و در همین سه هفته اخیر ما یکبار دیگر شاهد نقش مکمل دو جناح در مقابله با مردم هستیم. از رهبران تحکیم وحدت تا دو خردادی های مجلس هصدا با مقامات انتظامی و رهبران جناح راست مدام به دانشجویان هشدار

دامنه اعتراضات توده ای بیش از هر وقت وسعت یافته و جامعه حالتی انفجاری بخود گرفته است، و وضعیت رژیم بشدت بهم ریخته و روحیه تفرعی جامعه بالاست و حمله رژیم به صف اعتراض مردم با پاسخ مردم معترض مواجهه میشود. اعتراضات کارگری در متن چنین شرایطی جایگاه و اهمیت سیاسی بیشتری می یابد. در چنین شرایطی گسترش اعتراضات کارگری فشار بیشتری بر کرده این رژیم وارد کرده و وزنه به میدان آامن طبقه کارگر را در کویین مهر خود بر اوضاع و احوال سیاسی کنونی سنگین و سنگین تر میکند. این وظیفه کارگران کمونیست است که در این شرایط افق روشنی از مبارزه در مقابل کارگر و جنبش اعتراضی

عبور از "خط قرمز"

محدود نمیشود. آنچه که در تظاهرات دانشجویان خودنمائی کرد حاکی از چپ شدن اعتراضات و رادیکال بودن خواسته ها بود. اینبار انگار خاتمی از فضای ایران محو شده بود، حتی طرفداران وی در دانشگاهها عکسهایش را قايم کردند. دفتر تحکیم وحدت برای اینکه بتوانند در دانشگاهها حضورش را حفظ کند مجبور به تکرار شعار چپها یعنی "زندانی سیاسی باید آزاد گردد" شد. شعار آزادی برابری برای دومین بار در دور اخیر اعتراضات دانشجویی جایگاه ویژه ای پیدا کرد. فقط همین موارد تاکید میکنند که حرکت های اخیر دانشجویان و تظاهرات مردم علاوه بر اینکه سمبل جمهوری اسلامی را هدف قرار داد، تصویری از اهداف آزادیخواهانه و چپ جنبش سرنگونی را بدست میدهد.

و بالاخره به یک نشانه دیگر از موقعیت جنبش سرنگونی و قدرت آن باید اشاره کرد. از داخل خود حکومت اعتراض و انتقاد به خامنه ای شروع شده است. دو نمونه آن در هفته اخیر یکی انتقاد مزروعی در مجلس بود که به دعوا و کشمکش انجامید و دوم نامه سرگشاده قاسم شعله سعنی به خامنه ای است. این موارد بلافاصله اذنان را تا حلی به دوران آخر رژیم شاه متوجه میکند که امثال بنی احمد بطور علنی به انتقاد از شاه میپردازند، کاری که قبلاً از آن ممکن نبود. قدرت جنبش سرنگونی و وضعیت داغان رژیم به جایی رسیده که عناصر دو خردادی بطور علنی و مستقیم سراغ خامنه ای میروند. آنچه باعث میشود که کسانی از داخل حکومت به این "جسارت" دست بزنند، فقط این نیست که میخواهند حسابشان را نزد مردم از کل حکومت جدا کنند، بلکه اساساً اقتدر جمهوری اسلامی و رهبر آن نزد مردم بی آبرو است و خطر سرنگونی رژیمشان را بشدت احساس میکنند که چاره نهایتی را در این دیده اند که خامنه ای را هم بطور انتقادی مخاطب قرار دهند تا بلکه برای شکاف و دعوای جناحها فکری بکنند.

این نشانه‌ها بروشنی از وضعیت حساسی خبر میدهند که اساس آن رو در روی مردم با رژیم بر سر سرنگونی مبنای آنرا تشکیل میدهد، وضعیتی که دارد به مراحل نهایی تعیین تکلیف نزدیک میشود و باید برای آن آماده شد. اگرچه رژیم جمهوری اسلامی هنوز ظرفیت سرکوب و اعمال وحشیگری را دارد، اما قابل افسار زدن و کنترل کردن است. این در گرو تشکیل و اتحاد اقشار مختلف مردم و کسب آمادگی برای این رو در رویی است. در این میان نقش طبقه کارگر برای ایفای نقش دورانسانز بر تحولات آتی ایران بسیار تعیین کننده است. همچنانکه طبقه کارگر در انقلاب ۵۷ پشت رژیم شاه را شکست، اینبار نیز طبقه کارگری که اگر متشکل و متحد شده باشد، میتواند با قدرت خود و با اتکا به نقشی که در تولید در جامعه ایفا میکند، همراه طیف عظیم زنان و جوانانی که برای سرنگونی جمهوری اسلامی عزمشان را جزم کرده اند، نقش اساسی ایفا کند. در اوضاع متحولی که در پیش است، کارگران باید در سیاست دخالت کنند. و این در درجه اول مستلزم پاسخ دادن به معضل اساسی امروز کارگران، یعنی مساله تشکل است. کارگران باید دست بکار ساختن تشکل های توده ای خود و شوراهایشان بشوند. و بالاخره باید به اهمیت پیوستن کارگران، زنان، جوانان و مردم آزادیخواه به حزب کمونیست کارگری ایران تاکید کنم. این حزب تنها حزبی است که برای رهایی انسان از بردگی مزدی و تبعیض و نابرابری و برای برگرداندن حرمت و اختیار به انسانها مبارزه میکند. تنها حزبی است که به رفاه و شادی و آزادی و برابری انسانها حساس است و برای برپائی جامعه ای شایسته انسان می‌جنگد. باید به این حزب پیوست تا مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی به سرانجامی برسد که خواست و آرمان میلیونها مردم آزادیخواه است.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!